

مجله ایست که تا کنون در ایران ظهور کرده است و اغلب ادبا و فضیلت‌های طهران در آن مقاله نوشته‌اند. مقام علمی و اخلاقی آقای دکتر افشار، (مؤلف کتاب «سیاست اروپا در ایران» بفرانسه) که چند قطعه ادبی نیز از ایشان در مجله چاپ شده است، بما امیدواری کامل می‌دهد که این مجله ممتاز بنشر و ترقی معارف ایران خدمت بزرگی بجا خواهد آورد.

۵ — اردی بهشت — اثر خامه جناب حاج میرزا یحیی دولت آبادی وکیل مجلس ملی. آثار قلمی این ادیب محترم بر ارباب علم و ادب پوشیده نیست و تا کنون چند کتاب از تألیفات ایشان مانند کتاب علی، دوره زندگانی یا غصب حق اطفال و ارمغان یحیی و غیره مکرر طبع شده است. این اردیبهشت که با نفاست کامل چاپ شده نمونه‌گزینی است از آثار ثری و نظمی معظم‌له و مخصوصاً قسمت اول این کتاب که دارای حکایت‌های اخلاقی است بطرز گلستان بسیار مفید و شیرین می‌باشد. برای کسانی که میخواهند يك انشاء فصیح و سلیس و منقح داشته باشند راهنمای خوبی است. امیدواریم که سایر تألیفات ایشان و مخصوصاً کتاب «شهر ناز» که داستان شیرین و اخلاقی و اجتماعی است نیز هر چه زودتر بهمت «شرکت حیات» بطبع رسد.

قسمت اقتصادی

شرح حال غوص و غواص در خلیج فارس

این مقاله نگارش جناب آقای میرزا محمد علیخان سدید السلطنه پور حاجی احمد خان کبابی می‌باشد که یکی از رجال با فضل عصر ما است و آثار مهمی نگاشته‌اند که بد بختانه چاپ نشده مخصوصاً کتاب «اعلام الناس فی احوال بندر عباس» بحری است نثار از اطلاعات تاریخی و جغرافیائی و عمرانی و اقتصادی و لسانی و این مقاله نمونه کوچکی از مقام علم و فضل و طرز نگارش ایشان را نشان می‌دهد. [ایران‌شهر]

بنادر عمان بر دو قسمت تقسیم شوند:

يك قسمت عبارت از بنادر شیوخ مستقلة است مانند بوضبی، دبی، شارجه که آن را شارجه هم گویند، ام القیوین، رأس الخیمه که در قدیم به جلفار معروف بوده است، عجمان بر وزن مهمان و حمیره. هر نقطه شیخ مستقل داشته و در تحت قیادت انگلیسها باشد. قسمت دیگر بنادری است که متعلق به امارت مسقط است مانند بندر سحار و سویق و مصغه و غیره که به باطنه معروف باشند و گذران بیشتر ساکنین قسمت اخیر از غواصی نیست و در این لایحه هر جا اسم عمان نگارش یابد مقصود عمان شیوخ مستقلة است که بیشتر گذران سکنه آن از غواصی است.

صیدگاه مروارید را مغاص گویند و موقعیکه در دریا صید مروارید در آن موضع شود موسوم به حیر بر وزن خیر و جمع آن حیارات بر وزن حیارات است. حیر و حیارات به های هوز که حیر و حیارات شود هم نوشته اند.

حیر عبارت از يك بر آمدگی است از تك دریا که آب اطراف آن بر آمدگی ژرف و عمیق و آب فراز آن بر آمدگی عمق چندان ندارد و کشتی بخار با احتیاط از مواضع حیارات گذرد و در نقشه هائی که مخصوص دلالت ناخدایان ترسیم شده موضع حیاراتیکه معروف باشند و عبور کشتی در آن نقاط خطرناکی پیدا کند تعیین شده است حیارات بیشتر در دریای آزاد واقع شده اند یعنی بیش از چهار میل از کناره سواحل دور باشند. این است که شیوخ مستقلة عمان و شیوخ بحرین و قطر و کویت حیارات را توانسته اند خاصه خود کرده و ممانعت دیگران نمایند.

در مواقع غوص کشتی جنگی انگلیسها مراقبت از سفاین غواصی می نمایند. هر گاه مرتکب تقصیر شوند یا مخالف اعتدال

حرکتی کنند کماندان کشتی آنها را بقانون خود سیاست و مجازات نماید.

سفاین غواصی متعلق به بنادر شیبکویه و حیاراتیکه قریب شیبکویه واقع شده‌اند چندان طرف تعرض انگلیسها واقع نمیشوند. حیاراتیکه خارج از دریای آزاد قریب سواحل باشند چندان معتنا به نیست چون مرواریدی که از آن نقاط خارج شود زیاد نباشند و تفاوت چندان ندارند.

از جزیرهٔ سلامه که در حدود رؤس الجبال واقع در تحت امارت مسقط است تا به بندر کویت مغاص مروارید است و حیارات هر نقطه اسامی مخصوص دارند و بیشتر از حیارات طرف سواحل عمان و بحرین واقع شده‌اند و طرف سواحل ایران حیارات به آن درجه فزون نباشند.

موسم غوص در سواحل ایران و عمان از ابتداء جوزا شروع شده و در ابتداء میزان آنها یابد. هر گاه بروج مزبوره مصادف با ماه رمضان شوند، در آن ماه غواصها تعطیل نمایند.

در مغاص بندر کویت که معروف است به عدان که آنرا عدنان هم گفته‌اند از برج ثور شروع بغواصی شود و انتهای همان برج میزان خواهد بود.

علت اینکه در برج میزان غواصی را آنها دهند برودت دریا و هوا خواهد بود. صید کنندگان مروارید بموسم و مغاص خلیج فارس قناعت نمایند بعد از انتهای موسم غوص خلیج فارس باسفاین خود به بحر احمر روند یعنی بعضی دون بعضی رفته و غواصان بنادر شیبکویه نادراً بغوص بحر احمر شتابند و غوص بحر احمر در اصطلاح غواصها بغوص عصیر معروف است.

بدایت غوص عصیر از اواسط جدی است و نهایت آن اواسط حمل خواهد بود. اهالی عمان برای غوص عصیر بجزیرهٔ دهلك که از توابع مصوع است رفته و اهالی یمن به الحیه که از توابع حدیده است روند در جزیرهٔ سقطره و حافون و مریاط و ظفار هم غوص عصیر شود اهالی یمن نادراً به مغاصات خلیج فارس آیند. در دریای سیلان هم مغاص مروارید موجود است. در حدود ۱۳۱۹ مطابق ۱۹۰۰ مسیحی دولت انگلیس بیک شرکت انگلیسی مغاص مزبور را اجاره داده و قرار داده بودند یک تکت عایدات به غواصها داده شود.

بدایت غوص سیلان اوایل حوت و نهایت آن اواسط حملست. مغاص سیلان در دو نقطه است یکموضع معروف است به منار بر وزن قمار و موضع دیگر معروف به تنگری که به لغت هندوها خدا را گویند (۱).

مدنیست که اهالی این حدود بغوص سیلان فرزند چون معتاد بقانون و انتظام نیستند و مایلند آزادانه غوص کنند چنانچه در حدود خود می نمایند.

در بندر دبی که از بنادر عمان است فقط اهالی دبی غوصی که معروف است بغوص قحبه بر وزن لجه در بهار و یائیز که اوقات فراغت غواصها است می نمایند از حد بندر جمیره که جنوب دبی واقع است تا خورخان که در طرف شمال است در آبهایکه چندان ژرف نباشند با سفاین خود که زاروقه گویند و زاروقه کشتی کوچکی است بر وزن طاحونه که در آبهایکه بسیار ژرف است نتوانند رفت و هر زاروقه ده الی بیست ریسال معادل

[۱] لغت تنگری لفظ ترکی است که حالا آنرا در شمال ایران تازی تلفظ میکنند و در استیلای مغول جزو لغات زبان اردو شده است. [ایران‌شهر]

پنج تومان الی ده تومان بشیخ دبی دهند.

جزیره دلمه تعلق به بوضی دارد و مرکز عمده مایه مروارید در موسم غوص در آنجا است. فروشندگان مروارید و مشتریان در آنجا جمع شوند از کلیه نقاط که در خلیج فارس غوص مروارید مینمایند و در آن موسم دلمه شهر بزرگی مینماید کلیه خانه‌ها موقتی از چوب خرما سازند کسبه و اهل حرنت از بوضی به آنجا آمده دکان باز کنند و فایده زیاد برند و در آن موسم شیخ بوضی یک نفر از اقوام خود بحکومت آنجا فرستد و از کلیه معامله کنندگان و کسبه بتفاوت ثروت و تمولشان برنج و وجه نقد در یافت نماید و عایدات عمده شیخ بوضی در همین موسم و همین نقطه است آن جزیره اواخر حمل مطابق پانزدهم آوریل شروع به آبادی کرده الی اواخر میزان مطابق پانزدهم اکتوبر آن آبادی پایان رسد و هر کس بوطن خود مراجعت نمایند و دلمه را با سکنه معدود خود باقی گذارند و آب مشروب آنجا گوازا نیست و از چشمه است مسافران متمول آب مشروب با خود دارند و بسیار کشتیها آب برای فروش وارد کرده و قیمت گزاف مصرف رسانند. از جزیره دلمه تا به بندر بوضی بخط مستقیم ۱۱۰ میل خواهد بود فقط تجار هندو که بآنجا آیند مرسوم بحکومت دلمه دهند و آن عبارت از یکصد و بیست روپیه است.

جزایر دیگر در اطراف و اکناف دلمه باشند و بنیر از دو جزیره که مسماست به دلمه و عدید است مسکون و جزایر دیگر بنیر سکنه است و مجمع جزایر مزبور را بنات البحر گویند و اسمی جزایر مزبوره:

- ۱- داس، ۲- قرنین، ۳- زرکوه، ۴- ارزنه، ۵- دلمه،
- ۶- غشه، ۷- صیرینی یاس، ۸- قطایر، ۹- حاله میرز، ۱۰-

شراعو، ۱۱ — عدید.

کلیهٔ بنات البحر در تحت امر دلمه واقع شوند. در اواسط جزایر مزبوره بیشتر از نقاط دیگر غوص مروارید می‌نمایند چون در آن نقاط بیشتر وجود دارد و انگلیسها اشخاصی را که در آن نقاط نزاع کنند مجازات سخت دهند و کشتی متعلق به نزاع کننده را سوزانند.

دلال فروش مروارید را طواش گویند و در موسم غوص از سه طایفه ممکن است مروارید ابتیاع نمود از ناخداها و طواشها و از تجار در مواقع غیر غوص فقط تجار مروارید خواهند داشت. درجهٔ تقاست مروارید هر جا بدینگونه تعیین کرده‌اند: اول عمان، دوم بحرین و بنادر فارس، سوم قطر، چهارم کویت، پنجم قطیف، ششم سیلان. و مرواریدیکه در جبل (بضم جیم و فتح باء) و رؤس الجبال پیدا شود غایت درجهٔ تقاست را دارد و درخت مرجان در این دریا دیده نشده است لیکن درخت یسر خود نگارنده در دریای خارك دیده‌ام.

تجارت مروارید سابقاً فقط عربها و هندوها داشته و حمل و فروش آن فقط هندوستان بوده است ایرانیهایکه تجارت مروارید را داشته فقط اهالی لنگه و جزیرهٔ قیس باشند. از حدود ۱۳۳۹ شرکت روزاتال و جیب فرانسوی تجارت مروارید را به اروپا افتتاح کرده هر ساله تقریباً ده ملیون رویه مروارید ابتیاع کرده از بحرین از راه هندوستان به اروپا برند و مرکز آنها بمبئی است و در سنوات اخیره یعنی بعد از حرب عمومی تجار لنگه و بحرین بعضی از آنها راه اروپا را پیدا کرده و مروارید خود را از راه هندوستان پاریس و غیره برده فروش نمایند.

بقیه دارد.